

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

تحلیلی از ولادیمیر پروخواتیلوف  
برگردان از: م. میر فخرانی  
۱۵ جون ۲۰۲۲

## شاهین های امریکائی اوکراین را یک «بار گران» می بینند.



[www.globallookpress.com](http://www.globallookpress.com) Lenin Nolly / Keystone Press Agency

شاهین های بنیاد هریتیج، یکی از اندیشکده های اصلی نئومحافظه کاران ایالات متحده، دست به انتقاد تند و نیز علیه کمک های نظامی امریکا به اوکراین زده اند. آنها معتقدند که این کمک ها خلاف منافع امریکاست.

جسیکا اندرسون، مدیر ارشد اندیشکده هریتیج اکشن (یک سازمان خواهر بنیاد هریتیج) در آستانه رأیگیری مجلس نمایندگان ایالات متحده در مورد بسته کمک نظامی به اوکراین، گفت:

«بسته کمکی پیشنهادی برای اوکراین بودجه کشورمان را برای فوری ترین نیازهای مردم امریکا می بلعد و دالره های مالیات دهندگان ما را بی پروا به یک کشور خارجی غیرمسئول می فرستد.»

هریتیج اکشن با یادآوری این که کنگره بتازگی یک بسته کمکی ۱۳ میلیارد دلاری را دو ماه پیش تصویب کرده بود، خاطر نشان کرد که «بسته کمکی اوکراین، خلاف شعار «اول امریکا»، امریکا را در آخر صف قرار می دهد.»

با وجود این واقعیت که بسته کمک نظامی ۴۰ میلیارد دلاری به اوکراین توسط کنگره ایالات متحده تصویب شد، موضع انتقادی هریتیج اکشن – پیشتر در نئومحافظه کاری با تاریخ پر آوازه ای به عنوان شاهین های ایالات متحده – نشان دهنده تغییر در نگرش نخبگان ایالات متحده نسبت به رویدادهای اوکراین است.

وقتی آمریکا به عراق حمله کرد، بنیاد هریتیج از حمله ایالات متحده و متحدانش به عراق حمایت کرد و از آن زمان تاکنون هرگز موضع خود را تغییر نداده است، علی رغم این که هیچ سلاح کشتار جمعی تاکنون در عراق پیدا نشده است.

هریتیج اکشن نیز از حامیان دائمی حضور نیروهای امریکائی در افغانستان بوده است و در آن زمان گزارش هائی را با عناوینی مانند «بررسی ها در افغانستان نشان می دهد که افزایش نیروهای امریکائی در این کشور جواب می دهد» و «حفظ خط حضور نظامی در افغانستان» منتشر می کرد.

اما نئومحافظه‌کاران هریتیج اکشن اینبار دیدگاه متفاوتی در مورد کمک‌های نظامی به اوکراین دارند. کوین رابرتز، رئیس بنیاد هریتیج، به نیویورک تایمز گفت: تصویب کنگره در مورد بسته کمکی به اوکراین در هفته گذشته بیش از حد و شتابزده انجام شد و نشان داد که سیاستمداران ما چقدر از شهروندان خود و مشکلات داخلی فاصله گرفته اند. موضع عملگرایانه بنیاد هریتیج نشان دهنده تغییر عمیق احساسات در میان نخبگان ایالات متحده است. توماس گراهام، یکی از کارشناسان برجسته ایالات متحده در مورد روسیه و معاون کیسینجر آسوشیتس، قبلاً تعدادی مقاله نوشته است که خواستار سازش با روسیه و در نظر گرفتن منافع آن شده است.

گراهام معتقد است که راه حل دیپلماتیک برای درگیری اوکراین پس از آغاز عملیات ویژه Z هنوز امکان پذیر است. گراهام در مصاحبه با خبرگزاری RBC روسیه یادآور شد که حتی قبل از شروع درگیری ها در اوکراین، او و همکارانش فرمولی را پیشنهاد کرده بودند که «نیازهای امنیتی روسیه، اوکراین، کشورهای ناتو و ایالات متحده را برآورده کند. از جمله، پیشنهادهایی برای توقف گسترش ناتو در یک دوره طولانی تر، آغاز یک سری مذاکرات جدی برای حل مناقشات بین بست در اروپا، و نوسازی توافقنامه هلسینکی ۱۹۷۵ ارائه شد.»

به گفته گراهام، رسیدن به توافق می توانست چندین سال طول بکشد. «حداقل اتحاد جماهیر شوروی و غرب توانستند در طول جنگ سرد در سال ۱۹۷۵ بر سر توافقنامه هلسینکی مذاکره کنند و این مذاکرات سه سال طول کشید. من نمی‌دانم چرا ما نمی‌توانیم این تجربه را در حال حاضر تکرار کنیم، وی خاطر نشان کرد: چنین مذاکراتی پس از آغاز عملیات نظامی می‌تواند بسیار سخت‌تر باشد، زیرا اعتماد بین پایتخت‌های غربی و مسکو از بین رفته است.

گراهام به هیچ وجه دوست روسیه نیست. در اواخر دهه ۱۹۸۰، او مقاله «دنیای بدون روسیه» را نوشت که در آن به قدرت رسیدن یک رهبر سرسخت و عمل‌گرا در فدراسیون روسیه را پیش بینی کرد که تلاش می کرد کشورش را به موقعیت یک قدرت بزرگ بازگرداند، با این حال، برنامه های آن با شکست مواجه می شود و باعث می شود کشور به رتبه های جهان سوم سقوط کند و احتمالاً تجزیه شود. او در آن زمان گفت:

«ما باید به طور جدی و سیستماتیک درباره امکان جهانی بدون روسیه فکر کنیم.»

پیش‌بینی گراهام در مورد تجزیه روسیه محقق نشد، با این حال، این عدم موفقیت دلیل توقف او و همکارانش برای مقابله با روسیه در اتاق فکرشان نشد، «به طور جدی و سیستماتیک در مورد امکان جهانی بدون روسیه فکر کنید» آنها صرفاً راه دیگری را برای رسیدن به این هدف پیشنهاد می کنند، یعنی پایان دادن به تهاجم نیروهای مسلح روسیه در اوکراین و کشاندن این کشور به باتلاق مذاکرات طولانی دیپلماتیک که طی آن نیروهای مسلح اوکراین این فرصت را خواهند داشت تا توانائی رزمی خود را بازیابی و بهبود بخشند.

هنری کیسینجر، رئیس فعلی گراهام، دقیقاً این دیدگاه را در مجمع جهانی اقتصاد در داووس ارائه کرد. وی گفت: درگیری های بین روسیه و اوکراین می تواند جهان را به ضرر کشورهای غربی تغییر دهد. «طرفین باید ظرف دو ماه

آینده به مذاکرات صلح کشیده شوند. در غیر این صورت، ما با وضعیتی مواجه خواهیم شد که روسیه می تواند به طور کامل روابط خود را با اروپا قطع کند و به دنبال یک اتحاد پایدار در جای دیگری باشد.

«این ما را به چندین دهه عقب خواهد برد. کهنه کار دیپلماسی امریکا گفت: ما متعهد به تلاش برای صلح طولانی مدت هستیم.»

به گفته کیسینجر، غرب باید تلاش برای تحمیل «شکست کوبنده بر نیروهای روسیه در اوکراین» را متوقف کند، زیرا انجام این کار پیامدهای فاجعه باری برای ثبات طولانی مدت قاره اروپا خواهد داشت. وی به ویژه اشاره کرد که روسیه برای بیش از ۴۰۰ سال بخشی جدائی ناپذیر از اروپا و ضامن توازن قوای اروپا بوده است. بنابراین، روسیه نباید «به سمت اتحاد دائمی با چین رانده شود». نکته قابل توجه این است که کیسینجر و معاونش حتی یک کلمه در مورد لزوم غیرنظامی کردن و نازی زدائی اوکراین صحبت نکردند. اما بدون راه حلی برای این مشکل، صلح در اروپا برقرار نخواهد شد.

موضع کیسینجر و تیمش در حال حاضر یک اجماع عمومی در کل جهان غرب نیست. اما «حملات» به رژیم کیف در مطبوعات غربی در حال افزایش است. به عنوان مثال، واشنگتن پست در سرمقاله ای نوشت که روسوفوبیا اوکراین پایان خوبی نخواهد داشت.

این روزنامه که بلندگوی امریکای لیبرال است، می گوید: «ناسیونالیسم ادبی، مانند سایر اشکال سانسور فرهنگی، جهل تاریخی را ایجاد می کند، تفکر انتقادی را سرکوب می کند و مانع درک بین المللی می شود». این سرمقاله «تلاش های ملی گرایان افراطی [اوکراینی] برای پاک کردن الکساندر پوشکین از حافظه تاریخی و زندگی فرهنگی اوکراین را محکوم کرد.

«هرچه حمله روسیه و جمهوری های متحد دونباس در اوکراین موفقیت آمیزتر باشد، صدای تحلیلگران باهوش در جهان غرب بلندتر خواهد شد که خواستار سازش و مذاکره با روسیه هستند.

روسیه نباید حتی یک لحظه فراموش کند که غرب اساساً و آشکاراً تمایلی به همکاری ندارد و همه توافقات را حتی با متحدانش زیر پا می گذارد. - چه برسد به روسیه که اصلاً از متحدان امریکا نیز به حساب نمی آید - زمانی که این توافقات باری بر دوش ما شوند، در دام فریب تحلیلگران مترقی غربی مانند گراهام می افتمیم که هرگز از، «فکر جدی و سیستماتیک درباره جهانی بدون روسیه» دست بر نمی دارند.

**منتشر شده در راشاتودی**